





در دیوان کثیر

۱۹-

جریان محاکمه متهمین شهرستانی

در اسفند ۱۳۰۹ بموجب قانونی که میخواست صراحتاً فرزند که مأمورین شهرستانی تابع مقررات انضباطی وزارت جنگ میباشد.

در آیین نامه انضباطی وزارت جنگ هم که میخواست صریح شده که مادون باید بدون توجیه و جبراً اوامر مافوق را بپذیرد و اگر امر برخلاف قانون بود مافوق مسئول است.

از مأمورین انضباطی ما وظیفه میخواستیم که اگر مرتد از وظیفه میگردید مسئول بودید.

ما بسزای اجازه ندادیم که از قانون بپرسد امر صادره قانونی یا غیر آن باشد و نظیر آنست زیرا مصلحت کشور تعطیل میشود.

پس مأمورینکه تابع مقررات انضباطی وزارت جنگ هستند امرای مافوق مافوق کرده اند از تعقیب ممانع بود و نمیتوان کفر داد.

از طرفی در مورد این پرونده ها نمیتوان احتمال داد که اقدامی برخلاف نظر شاه یا بدون اطلاع و دستور او شده باشد زیرا.

اول متهمین این پرونده ها عادی و گمنام نبودند که مختار بدون دستور مقامی بتوانند اقدام کنند.

دوم - شهادت اوراق اداری که موجود است در هر مورد نامه های از دفتر مخصوص و گزارش از شه. پائی موجود است که میرساند حتی امور جزئی به اطلاع رسیده است.

سوم - در تلگرافها و پرسشهایی که شاه در سفر ازاری و بابل کرده که در پرونده ها چنانسوزی میباشد میسراند که شاه باین مسائل و امور سیاسی علاقمند بوده که حتی در سفر یادداشتها و توضیح میخواست است.

چهارم - این افرادی که زندانی یا تحت تعقیب بوده بستگانی داشتند که پیوسته بدربار و مقامات دیگر شکایت می کردند که نامه های آنها در پرونده موجود است و اگر شهرستانی در موردی ابتدا اعلام کرده بود بالاخره مورد اطلاع شاه قرار میگرفت و پیرش میشد.

پنجم - با روش آقای مختار که مسلم شده استفاده ای نداشته یا توجه باینکه مختار با کسی تباخی با همکاری و صمیمیتی نداشته یا توجه باینکه آقای مختار بهتر از هر کسی بی اعتباری است که شاه را می دانسته ممکن نظر نمی رسد که آقای مختار بقصد تخریب شاه اقدام کرده باشد.

ششم - با توجه باوضاع واحوالی که تشریح شد در موردیکه بشاه نزدیک بوده یا ممکن بوده مورد اطلاع قرار گیرد امکان ندارد آقای مختار بتواند ابتکار در عمل داشته باشد.

بجهت مزبور یقین در هر مورد امر شاه مقدمه عمل بوده چنانچه خود مختار دفاع کرده و توضیح داده و حتی بنده میخواست عرض کنم در همان کارهای ادعائی و فرضی که اگر صورت وقوع یافته مستحق آن شاه بود مختار و هر یک از مأمورین شهرستانی و هر کسی که تابع مقررات انضباطی بوده یا باشد مجبور باجرا بوده و قابل تعقیب نمی باشد.

در اینجا ما بر میخوریم بیک اشکال اساسی و قابل توجه.

اشکال اینست - که اگر بنا شود هر زمان فرد مقتدری زمام را بدست بگیرد و مدعیان بکنند پس از چندی بگذارد و برود و ما هم از قطعه نظر وجدان و قانون نتوانیم مأمورین عمل را تعقیب کنیم بکلی اهانت تهدید شده و نظم بهم می خورد.

مقدمه بنده اینطور نیست زیرا اولاً - شاه آن حدیکه ما خیال کردیم مصونیت ندارد.

ثانیاً دولتهای وقت مسئول اعمال شده هستند.

معدومیت شاه از لحاظ تعین بوجهی مسئولیت و ملی این نکته قفل شده همین که شاه برخلاف نظامات و قوانین عمل کرد این شخصیت عالی از او سلب شده دیگر مصونیت ندارد.

باین معنی که جامعه از لحاظ مقتدائی زمام خود را بدست مردم با صلاحیتی می سپرد که اقل تعریف صلاحیت او این است که مقررات عمومی و مقدمات عمومی را رعایت کند.

وزیر دادگستری تهران و همه دادسراها را بوضع اجرائی تبدیل کرد - وزارت ما زندانی بود که بازداشت بودند همه دوائر قرار تأمین دادسرا بود که امر و هم آقای دادستان دیوان کثیر چون کار آنها بی پایه قانونی داشته میگردید گذشت و از نظر دروداشته اند.

وزیر دادگستری پیش از تسلط بدستگاه قضائی و وضع ساختن حیثیت عمومی شروع گردید باین سیاست شخصی و استفاده خود - بدین معنی تعقیب بیهوده و نظرها هر چه میخواست میکرد و بهترین شاه آنکه رقیب وزیر اخیر تصدی پیدا کرده بود سه ماه پرونده حقوقی دیگری در حوزه وزارت را راکد بود.

دستور و فشار شاه و علیاً چند روز در شهرستانی مانده و امروز جزء مواد کفر خواست دیوان کثیر خواست در کفر سرای تهران پرونده مفصلی دارد که مدتی از توقیف شده برای اتهام چک بی محل که شاکه نداشته و مزور زمان حاصل شده و ملت آنرا چنین کشف کردند که شبی در کلوب ایران این مرد ساده منظاری کرده بود که وزیر دادگستری شخص کرده بود شریف چاق و پرواری گیر آورده و فراد دستور هدیه دادستان تهران سابقه ای از او بدست آورد آنرا بازداشت کنند و بنده آن دلایلی مخصوص از برای تخلیف و تصفیه کار وارد میشود.

اگر دفتر محلیه وزارت دادگستری را با اختیار من میگذاشتند هزارها اسرار و حشمت انگیزی بدست میدادم که صندها داستان شور انگیز از آن ساخته می شود.

نکته قابل توجه این است که هنوز مجموع این سوابق برای خودش ساختن شخصیت قضائی مدعیان زنی نیست و همانهایی که به بدی و زشتی و زشتکاری متنا شده و عمل میکنند امروز با وضع بهتر و همای برتر و اختیاری بیشتر تصدی دارند و حمایت میشوند یعنی امروزه دایله دیروز است و هنوز تفاوت زیادی محسوس نیست.

روش کار مندان دادگستری بصورتی پیش رفت که دیگر شاه مجبور نبود که اجرائی اوامر و منظور خود بدستگاه نظمی و انضباطی توسل جوید برای اینکه مأمور عدلیه با سلطه قانونی هر چه میخواست میکردند.

بنده اگر بتوانم بکلیت اموری که وزارت داده گستره اقدام کرده و پیش رفته بشمارم وقت دادگاه را زیاد مصروف داشته و از موضوع خارج شدم همیقدر پس که شاه بیاس خدمات اساسی وزیر دادگستری بدین سابقه او را ببقام نخست وزیر ببالا برد.

اطلاعات

مدافعان رضایطی

وکیل مدافع علی اصغر فروتن و جشمیدی

و جندان دادگاه - کشوری که در او انرا همه افسرده و ملولیم امروز دچار ضعف شدید که تلاشی شدن نیروی مسلح است که در این راه آزادی و دموکراسی باید از کشور های زاینه تفتت کنیم.

شاه انگلستان بموجب قانون اساسی آنجا مصونیت دارد مبنیاً این مصونیت ناموفی است که برخلاف رویه عملی دفاع میکنند.

چنانچه پادشاه سابق خواست برای آزادی شخصی خود از نظامات بیرون رود و زن خود را بیل خود انتخاب کند که مدتی شئون سلطنت بود.

در این موقع آقای بالدین نخست وزیر تاریخی انگلستان صراحتاً بشاه اعلام کرد که با بدین دو امریکی را اختیار کند.

سلطنت انگلستان یا اختیار در ازدواج برخلاف نظامات.

شاه طبق دوم را اختیار کرد و آقای بالدین جریان امر را بپسندید و گزارش داد یعنی در این مورد پیشنهاد قبلی مجلس و تصمیم ملت لازم نبود و کار یک امر عادی بود - هینکه شاه از حریم خود بیرون رفت باید او را بتغییر و رویه یا استغفار ساخت و اگر استغنا نداد صلاحیت او سلب شده و رای اجتناب دیگر تشریفات اجرائی این امری باشد.

بدین جهت است که قانون اساسی دولت های وقترا مسئول قرار داده تا هر موقع شاهی از وظیفه سرباز زد او را باجاری وظیفه سربازند سازند باز کار سکنانه گیرند تا او تنها بنامد و وجودش بی اثر گردد.

پس آن آقایان وزیرانیکه تنها با شاه مراضه نکردند بلکه اوامر غیر مشروع او را بوقف اجرا گذاردند و او را در اجرای شواهدش شویق کردند یا تسهیل نمودند یا برای یسر رفتن او - اربابان قانون مومند مسئول همه این جنایات هستند.

دموکراسی استلام آخرین امید آزادی و برابری است که در قوی سیاسی بی نظیر بوده بر مبرگت آسای من از گلیوم بیرون شمام.

هری بی خاست و بیشتر خود اشاره کرد که تا این شمشیر در اختیار من است خلیفه انصاف از راه توانم و اگر کج رفت او را بر ماستی آوردم در اصلاح حق نظارت و تقاضی در امور حکومت بهمه افراد داده شد.

در دموکراسی های دنیای این حق بدولت داده شده و به مجلس با اختیار در اظهار اعتماد یا عدم اعتماد پس نمایندگان مجلس که از این اختیار و حق قانونی کردند مسئول کفوری و حقوقی تمام و باقی بیست ساله هستند و طبق مقررات باید تعقیب شوند و کفوری بیست و چون عدم تعقیب تا جلال بواسطه ترس از تعقیب بود و آغاز مرور زمان.

از شهریور ماه ۱۳۲۰ میباشد میتوان امروز با موری که ۱۳۰۶ پیدا صوت گرفته اعلام بزه نموده و تعقیب کرد.

لذلولی واقع است نه آقای دادستان دیوان کثیر بجای این صرف و توتوسرو صدای بپردند که گزارش زمنیه است که بی عرض رسانند تهیه نماینده دادستان دیوان کشور و مقامات صلاحیت دار اعلام کنند که افراد مسئول و بزه کاران طبق مقررات تعقیب شوند و کفوری بیندینان تکتک نمانند که اموال شاه سابق و دمیهای برای تضمین حقوق از دست رفته مردم است و با سوابقی که برش رسیده باید تأمین شود تا ضایعات بقدر امکان از آن جبران شود.

پس مسئولان توقیف های ادعائی و در انهایی که متهمین شهرستانی نیستند باید شوق و جبران و جبران و کیان میباشند که یک بنویس خود از بیست سال دست رنج مردم مقادیری اند و حتی امروز بر بگریز شسته و در بستر استراحت شونده اند و برش مردمی خند و این معر که را ساخته و مردم را بدان مشغول و از وظیفه و کار خود باز داشته اند.

و چون پنج روز است عرایش بنده تفصیل یافته توضیح در موارد توقیف های غیر قانونی را به همه محول میکنم و عرایش خود را معلایان بدمم.

نیگذاشت همراهش روانه شد ملزمین رباب و موبک خصوص شکار هم حرکت کردند کسری چون از دربار بیرون رفت شتابان و با سرعت حرکت میکرد بود و جهر همتان دنبالش میرفت ولی چون سایر قسنتهای قضائی او مجبور بودند رعایت نظام و دیسپلین را نمایندگی عقب ماندند مدتی طول کشید شاه از سپاهیان خود دور افتاد و بهر گزارش ربابی رسیدند شاه دید سپاهانش هنوز ترسیده بودند به بود و جهر گفت اندکی راحت کنیم تا آنها نیز برسند و در وسیله از سیزه زاری آرمید و بود و جهر هم بافصله کمی مقابل او ایستاد که مبادا آسیبی حین خواب شاه برسد پادشاه باز با قوت و مراد رسید گرانبهایی داشت و بر سر دو سلاطین قدیم برای حفظ خود و جلوگیری از گرفتار آزار طلبهایی همراه داشته معروف است که آن بازو بند بقلم طلسمات میبایدان منفوش شود برای آنکه بازو بندش را ش کیسفته شود از بازوی خود در آورد و کثرتی گذاشت و خوابیده فاصله نندم مرغ را بخود بچسباند.

اما دفاع ما متکی بر این اصل است که قانون بپسندید که کاری اجازه دفاع میدهد - منظور از دفاع اثبات بقصیری است و اسلای اثباتی بقصیری دو چیز است یکی خصوصیت شخصیت که دادگاهها از آراء نشان دادن حالت قیافه و منظره خوا احساسات و مکتوبات خاطر خویش را از نظر قوه تخیل و ادب بکنند و از انبیره رأفت آنرا باز بخود ملغف سازد.

وسیله دیگر دفاع زبان و ناطقه بجزم است که از راه سیر کلامی و بیان احساسات داخلی بر زبان زد زانقوسامه هیئت قضاییه رخنه با احساسات و مذهب و تضاد بوده در وجدان قوه تعصباتشان اثر کسری می کند ولی بدبختانه چون تشریف اداری غالباً متهم را در غروب می سازد ناطقه او از کار می افتد و با اینچنان که ادا کردنی است حق دفاع را بجا نیبورد نیست که قانون حق داده شخص بیطرفی بنام وکیل مدافع زناعل او شود و مشاورت بی قیل از دادرسی و برهه های آزادی حقیقاً از او دور باید و در این معرکه به باد با او بدین وصف بکنند از نظر خود و با او هرمن گفتی ایست همه و بنش و عداوت بر اینان ناشی از بیک ملت نیست ترا بود که بکنند نام نگار است.

آقای لطیفی در این قسمت از نطق خودشان ثبت بجراید اهانت کرده اند که چون از موضوع دفاع و وظیفه ایشان خارج است حذف گردید.

چیزی متذکر میوشم این است زمره ملی میگویند این دیوشم ها مولود حوادث اخیر ایران است ضلالت بر آنها دشوار است معضولند به نتیجه کار نامشای کنند که مردان قضائی کشور چگونه مسائل مشکل اصل میکنند.

اندر بالای تخت پدید آلودند فضل و بزرگواری و سالاری دفاع من مبتنی بر دوفرض است فرض اول اگر مدعیان هم راست بگویند فرض دوم ادعا مدعی الموم دروغ است.

البته در فرض دوم از حرکت قهرائی استند از حکم که تقصیر مکلین است بفرض که نوع قتل است میترسم و اگر ثابت شد برض غلط است یعنی قتل واقع نشده آنکه رفع توقیف و حکم برائت موکلین را از دادگاه خواهش میکنم.

بنابراین در فرض اول اگر جریان سخنان و تشکیل پرونده مطلب چنانکه در اوراق تحقیق منمکتب است وقایع را ندیده و سرت از سر - چشمه اوامری اشی شده یعنی اعطالی که واقعه پادشاه بوده و بعد آقایان مجری آن بود و چون کیفیت آن امری با وضعیت این مأمورین چنانچه که بعضی از همکاران من اشاره فرمودند با سیاست در بار بروز وظیفه مأمورین شهرستانی آنروز ارتباط داشته مجبور منم مثل سایر آقایان تفسیر جهالت قانون را تفکر بهم ولی قیل از این که وارد طرح موضوع شوم اجازه می خواهم یک مثال کوتاه تاریخی که کثیر گوشه ای از آن شنیده تر مقدمه بیانم برش داد که بر نامم.

یکروز میوشیروان که همه ملل خاور زمین با او براد گستره میباشند بزم شکار بیرون رفتند.

همین دستور آن روز بود و جهر یعنی نخست وزیر در آن کسری که بشاه بسیار علاقه داشت و ساعتی او را تنها

تمام وزرای دربارش از جل آن مشکل فرو ماندند و همه متفقاً ریزی کردند که تحویل این مسئله جز ریزی با بود و جهر راهی ندارد پادشاه یکی از کنیزهای خود را فرستاد غلغلی حاضر کرد و اسب شخصی خود را زین کرد فرستاد عقب بود و جهر وقتی بنام شاه بود و جهر رسید آمد با کمال رغبت سوار اسب شد و بسمت بارگاه رفت چون وارد دربار شد کسری دید دست او را یکی میکشید فیهید بود و جهر کور شده خیلی متناش شد ولی این تأثیر دیگر تری نداشت گفت بود و جهر متاسفم این وضعیت ترا بیش آمده چه سود که چشمپوشی تو سخت تر شده گفت شاهنشاهما باکی نیست اگر دیدگان تیره شد دل هنوز روشن است.

آن مسئله سیاسی طرح شد در نهایت مهارت آن دانشمند بزرگ بیدار موضوع مسئله را حل کرد روشن ساخت پادشاه گفت معذرت میخواستم که اینبینه شکنجه بتو روا داشتم و زبان شیرین تو آتش احساسات مرا تیز کرد بود و جهر چون گوش منطق شوائی کسری را باز زدید داستان مصومیت خود و کیفیت آسرخ و بلیدین ماقوتها و مرور بیدار کرد کرد پادشاه وقتی جبرانرا شنید سلطانی که غالب سلاطین دنیا را تعبیر کرد و اغلب آنها را بزبان در آورده بود بی اختیار مقابل دامان بود و جهر زانوز و گریه بسیار کرد بود و جهر دست پادشاه را بر سینه گذاشت و گفت عهد بندگی که نسبت بخدمت تاج و تخت تو بسته ام همچنان وفادار و پابند میبیم برای شاه از چون بدیدی است که بر اولادش روا میدارد تأثیری در من نخواهد داشت و خردلی از مهر پادشاه در قلب من نیکبند و این دویت را برای کسری خواند بدو نیک آید جوری سبب.

چند ماه بعد که کسری در زندان بود و جهر بدانی که شاه چه کرده پیش بود و جهر بر آن همتان رای خویش منظوم از ذکر این مثال داستان سرائی نبود بلکه انبیت در جامعه که خود را با سلطنت مشروطه اداره میکند باید اول فیهید شاه یعنی چه عنوان شاه چیست حقوق و تکالیف شاه کدام است.

یکی از بزرگترین شیوه های باستانی این است که شاه دوستی و دفاع از تاج و تخت شاهی بوده است که بدبختانه امروز بیبیتیم چگونه بدان اهانت می شود آقایان بیسوادها سلطنت بکنند مقدس است سلطنت که ملت طبق ماده ۳۵ قانون مقدس اساسی که می گوید سلطنت ایران و دیه انت که ببهوت الهی از طرف ملت بشخص سلطان مفوض میگردد و این دیهه فرکاه پروردگار با این درجه قدس که وسیله انتقال ملت است اگر بچوب خشکی هم برسد آن چویرا باید محترم شمرده رضا شاه کیست شخصیت او چیست - سلطنت یک ملت اسانتی است که قانون اساسی ایران از طرف خدا بشخص میسپارد قانون اساسی ما سلطنت من چنانچه اقرار قائل گردیده سلطنت مال خدا است و اسطه اش در انتقال ملت است - تا یک میده را در جامعه بزرگ نکنیم تا قطعه اعلائی قدرت برای یکجمله مشروطه تصور نماییم نتیوانیم آن میدرها برای سایر مبادی اجتماعی خودمان منشاء حرکت و ترقی قرار دهم باید یک جایی را محترم شمرد و باو امر اطاعت کرد و حرکت نمود هر روز اگر کسی امری بدیده مقرر کرد اجرا شود نظام آن جماعت مختل می گردد بدبختی را که امروز ما بدان گرفتاریم کسی متوجه نیست اعضاء پارلمان ما هم متوجه نیستند قانون اساسی را آقایان باز کنید - سلطنت ایران را بیبیتیم چه کیفیت تریف میکند سلطنت ایران از دو طرف بد دیگری منتقل میشود یکی بوسیله مجلس مؤسسان و یکی بملت رحلت پادشاه که بولاد و مشغول ز کورش میرسد البته در این موضوع رحلت پادشاه در ایران نبوده مجلس مؤسسان طبق همین قانون اساسی یک سلطنتی را برضا شاه داد هرمتی که تولید می شود دو سمت دارد در سمت نخست و سمت منفی حق ذیق نسبت به هر دو طرف آن حق می تواند اعمال را کند.

یعنی همین مجلس مؤسسان که سمت حق مثبت خود را اعمال کرد یعنی سلطنت را از طرف ملت بر پادشاه داد همین مجلس نیز باید سمت حق منفی خود را اعمال نماید و این فقط میتواند سلطنت را از رضاشاه پس بگیرد.

استغناقی که ضرب هفت تیر داده شد و مجلس مؤسسان بیبیتیم نداشت اراده ملت ایران در آن که دخالت نداشت تا این استغنا را رسیدگی کند و رد قبول آنرا اعلام نماید - قانونی نیست من بنام ایرانی مدافع حقوق سلطنت خود فریاد دفاع میکنم میگویم ملت ایران از این جور

وستی که با او شده روزی که جامعه و کنگر ملیع تشکیل میشود شکایت خواهد کرد - مقصودم از ایراد باین جریان آن بود حوادثی که مازا تحت تاج آورده و سلطنت ملی مارا باین شکل صدمه زده یعنی ملتی که سلطنت ملی خود را نتواند اعمال کند چگونه می تواند آرزومند باشد سلطنت قضائی او مصون و محفوظ است.

روزی که فرمان اراده مقدس ملت ایران کلاه سلطنت را بر تارک وضاشاه نهادند و اجازه جلوس پسر سریر باستانی این ملت باو دادند همه ملل جهان او را بر سریت شناختند و در بار پرشکوه ایران فرستادگان خود را روانه کردند.

همه کردار آن دوره با دستور پیش بینی شده مورد تماشای و نظر همه ملل جهان بود.

آقایان زهر منبع نوری هر فروقی می آید نورانی است نه ظلمانی یک منبع نور بر تو ظلمانی بیرون میدهد سلطنت یک ملتی مقدس است - سلطنت ملت آرزوی شکل خصوصی که صلاح خود دیده بود اداره میشد نتیوان گفت که بعضی از اعمال آن سلطنت صحیح بر شی دیگر آن دور از صواب و مقابل میباشد.

تو این طرحها را لایح بار داده شاه و تطبیق اوضاع آنروز جهان و ایران بنا بر تصمیم پارلمان میگذاشت شاه در میان گرد نه دوار سیاست بین المللی میچرخید و نداشتن وسائل کافی پول و قشون و اسلحه با سیاست متضاد رفتار میکرد البته دلشامد من که زبان مکلینم هستم آزادانه میتوانم صحبت کنم و آزاده خواهم هر ایض را آزادتر بگویم.

هیچگاه مکتوب بود سیاست و بی سبب یکی سیاست روسها و یکی سیاست انگلیسها - شاه در بحران سیاسی آن روز وقتی پیدا شد این دولت نفوس و روش دشمن ما دانشمند خسته و آزاده هر کس با نظیره مخصوص هر نتمه جز نتمه اساسی ترقی ایران میزد شاه چه کرد او را با انگلیسها و مذاکره شد گفت نفوذ سیاسی خود در این کشور بکاهند انگلیسها گفتند دولتهای دیگری در خاک شایقوفدار اگر ما نفوذ خودمان را قطع کنیم نفوذ آنها باقی خواهد بود و در نتیجه تصدیرات ما صدمه خواهد رسید - و صلواتی خاک آسیا انگلیسها میگویند که در عراق و هندوستان و آفانستان مسلک بلشویسم ترویج نکردند این پادشاه گفتند مین سیم اگر نفوذ خود را کنار گذاریم و برای خود را از این مدمه که بیرون کشیم خطری متوجه خود بادشاه پادشاه جواب داد من با خود دولت ایران جلوگیری میکنم آن دولت موافقت کرده این بود که مستر هوار که یکی از مأمورین فعال دولت انگلیس بود از کشور ما خارج شد و دیگر خدمت او تصدیر نکردید.

مقران همان تاریخ بنابر و عهده که با انگلیسها داده بود قانون مصوب ۱۰ - راجع بجلو گیری از ترویج فرقه اشتراکی در قانون مجازات ایران طلوع کرد.

تئوین این قانون روی همان عهده بود - پادشاه قناعت باین دو اصل نکرد و میدانست یکی از بزرگترین سرمایه های ملی تجارت ملی است که بدست یسکانگان میچرخید این بود در صد

شد که تجارت کشور را بهر شیوه ای که باشد دست بگیرد از او معتقد بود که ایران اداره ایران از او نیست دولت ایران باید مانند سایر دولت و ملت های جهاندار داد و ستد خود آزاد باشد و با هر کسی که صلاح منافع خویش بداند معامله کند که این بود که کثیر تجار تی ایران تأمین و روز بروز بر وسعت تشکیلات آن افزوده شد.

در خلال این جریان باز شاه قناعت نکرد و فشار تشکیلات ارتش خود آورد و اوجه های نیروی مسلح خود را از او ساختن سربازان و افغان خویش را آشنا بچنگ و اسلحه و موتور های آوزیاتی کرد.

خوب بخاطر دارم در شب نوم اسفند سال ۱۳۱۵ که ما جزء اسفند ذخیره ایران شدی در جشن دانکنده افسری دعوت داشتیم شاه تعلق فرمود اول خطاب باقصرانش که قدر و قیمت وطن برستی و تشکیلات ارتش تا کنون است بد ضن بیانات خویش اظهار کرد من در سال ۱۳۲۰ تثبیت قشون ایران را اعلام میکنم و اگر متغیبات ایجاد نماید خانواده را صلح خواهد کرد.

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

فالم

